

ای ثابت بر پیمان نامه شما که بتاريخ ۵ ذی حجه ۱۳۳۹ بود رسید ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۳۳۱

طهران

جناب حاجی امین علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه شما که بتاريخ ۵ ذی حجه ۱۳۳۹ بود رسید مرقوم نموده بودید که جمیع حسابها را صاف کردم و در پاکت گذاشته ارسال نموده بودم آن پاکت رسید حاجی یوسف متحده بواسطه بغداد یک فقره پانصد جنیه و فقره دیگر سیصد جنیه ارسال نموده مرقوم نموده بودید امورات ملکی کل در تغییر و تبدیل است لهذا معاملات کل مختل امیدوارم که بهمت اولیای امور این تغییر و تبدیل استقرار یابد و عدل و انصاف بمیان آید و معاملات انتظام جوید حضرات مبلغین مانند نبیل زاده و مطلق فی الحقیقه جانفشانند الحمد لله احبای الهی در امور سیاسی مداخله نمی نمایند بخدا مشغولند و بتأسیسات الهیه مألوف بتحسین اخلاق ملت میپردازند و بتسکین نفوس همت میکنند تا بنیه ملت قوت گیرد و چون بنیه قوت گیرد جمیع امراض و علل سائر مندفع گردد

اما عبارت عبدالبهاء که این گلهای مختلف اللون و مختلف العطر زینت بستان الهیست این بیان خطاب بطائفه سفید و طائفه سیاه امریکا است زیرا اهل عالم بر پنج رنگ اند یک قسم سفیدند مانند فرنگیان یک قسم سیاهند مانند اهالی سودان و سیاهان امریکا و یک قسم زردند مانند جاپان و اهل چین و یک قسم سبزه اند مانند عرب و یک قسم سرخند مانند اهالی اصلی و قدیمی امریکا و میانه این الوان جنگ و جدال علی الخصوص بین سفیدان و سیاهان و سرخان امریکا لهذا از فم عبدالبهاء صادر که نباید این الوان با یکدیگر درآویزند بلکه باید بیاویزند زیرا این اختلاف بشر در الوان مانند اختلافیست که در انواع گلهای گلستانست و سبب زینت بوستانست و الا یک کلمه اختلاف در میان احبای هادم بنیانست باری امید چنان که یاران موافق عاشق و آشفته یکدیگر باشند هریک جان فدای دیگری نماید و خود را خادم دیگران شمرد نه مثل بعضی خود را ممتاز از کل می‌شمردند و کوس لمن الملکی میزنند باری همانست که مرقوم نموده بودی باید نسبت بحق در مقام تسلیم و رضا بود و غرق در دریای شکران الحمد لله رایت الهی بلند است و انوار اشراق در جمیع آفاق تابنده الحمد لله



ORIGINAL

چشم شما حال با وجود تقدّم سنّ خوب میبند و مکاتیب را خوب مینگارید و الحمد لله معاون دارید قدر میرزا مهدی شریک خود را بدان و پیام و تحیت ابدع ابهی از قبل من باو برسان و علیک البهاء الأبهی

حیفا

۱۰ صفر ۱۳۴۰

عبدالبهاء عباس

جناب امین مکتوب جوف از بندۀ خاضع خاشع صادق جمال مبارک شوقی افندیست که بکمال تعجیل مرقوم نموده است چون حوادثش سبب سرور ثابتین است ارسال میگردد ع

هو الأبهی

سیدی و منتهی املی و مولای الحنون چگونه ستایش و نعت امر مبارکت را نمایم که در این مدینه کبری شهر منچستر که اهالی از تمام طبقات غافل و غرق مادیاتند همچو نفوس خالصة مومنه مبارکی مبعوث نمودی سراجی در این مدینه روشن نموده اند که از اول طلوع امر در جزایر انگلستان همچو نوری و همچو شعله‌ئی ملاحظه نگشته حسب الوعده‌ئی که چندی پیش باحبای منچستر داده بودم دیشب را در نهایت اشتیاق بالیسه ایرانی یعنی کلاه ایرانی در مجمع احبّا حاضر گشتم دسته‌ئی هستند که مثل و ماندی جز در ایران نداشته و ندارند عده‌شان قریب به سی نفر همگی از طبقه رنجبران فقیر و محتاج در زیر زمین محفل امری آراسته‌اند و زن و مرد با اطفالشان در بغل مسافاتی طیّ نموده شبانه باین محفل می‌آیند مرا چنان در بغل گرفته‌اند که بی‌اختیار متأثر گشتم علی‌الخصوص آن خانی که گیسوی مشکینش را وقف مشرق‌الاذکار نموده بحدی مفلوک و محتاج است که منزل درستی ندارد که بکسی ارائه دهد چه رسد بمهمانداری پدرش ازین عالم رفته و مادرش چون ایرلندی است کاتولیک متعصب و از دخترش بی‌زار معذک این زن لوح مبارک را که چندی پیش از برایش نازل شده در دست گرفته بیک شور و شعله‌ئی با احباب معاشرت و مصاحبت می‌نماید و باین عنایت افتخار میکند که چه عرض نمایم سه ماه نیست بنور ایمان فائز گشته و هر ساعتی از ساعات حیاتش را وقف تحصیل امری و مطالعه نجم باختر و البشارة می‌نماید چه قدر شیفته لسان فارسی است و هیچ فکری جز خدمت امر ندارد چون لوح مبارک ارائه نمود و خواهش کرد که در مجلس بلحن قرائت نمایم بدرجه‌ئی از شیرینی عبارات و استعارات مندرجه در آن لوح متأثر گشتم که بی‌اختیار اشکم جاری گشت و سایرین هم حالشان منقلب محفل داشتیم بعینه مانند محافل احبّا و دوستان ایرانی و تا نصفه شب صحبت و گفتگو میکردیم بتدریج نفوس آگاه میشوند و این محفل حقیر زیرزمینی از حرارت این چند نفر اتّسع و اهمّیت پیدا میکند از جمله کشیشی که نامش مستر هیلپس Healds است در زمره یاران داخل شده و در نهایت شیرینی صحبت میکند و آن عبارات و استعارات فصیحۀ بلیغۀ مبشرین را در مدح و ستایش حضرت بهاءالله بیان میکند و تأثیر کلامش عجیب امروز را دو مجلس خواهم داشت و یکی از آن در منزل او خواهد بود هرچند این دسته‌ئی مشتّت و دور از یکدیگرند ولی چون روز مجلس میرسد اقربایشان را گذاشته اطفالشان را در بغل میگیرند و پیاده بمرکز محفل می‌شتابند چه قدر حال اطفالشان شباهت بحال اطفال احبّای آلمان دارد که تفصیل آن را از لسان مبارک و بعضی از احبّا که به آلمان و اشتوتگارت سفر نموده‌اند شنیده شده دو سه نفر از احبّای ایرانی

موجود و هر سه دو برادرند و از اقربای متّحده هستند یکی از آنان در امور ملکی مؤید و موفق است یعقوب یوسف و برادر دیگری ابراهیم و چقدر مساعده این احبای فقیر محتاج را می‌نمایند بچند عده نجم باختر و البشارة مشترک گشته و بین دوستان این مدینه مرتّباً این جراید امریه را توزیع می‌نماید و چندی قبل مبلغ نوزده جنیه اعانه‌ئی از برای احبای لندن بواسطه روزنبرگ فرستاده بود همین جوان ایرانی مستر یوسف از من رجا نموده که بحضور عرض نمایم که هر گاه مبلغی را باین صفحات ارسال فرمایند تمام مصارفش را بر عهده خواهد گرفت چه که در امور ملکیش الحمد لله موفق است پدر روحانی این جمع احبّا مستر Hall هال است که حتّی امور معیشت را فراموش نموده از یک محل بیک محل از یک کلیسیا بیک کلیسیا رفته میکوشد و میجوشد که نفوس را آگاه کند یک دختری دارد که حال امّا الرّحمن ایران را که سالهای سال در امر تربیت شده‌اند از حیث محبّت و حرارت ایمان مجسم می‌نماید حقیقهً بهیچوجه گمان نمی‌نموم که همچو نفوسی در این مدینه هستند مرکز امر فی الحقیقه در منچستر است نه در لندن مستر رمی و یک جوان هندو که در نزدیک این شهر تحصیل میکرد و دکتر اسلمون این جمع احبّا را این چند ماه اخیر خوب به شعله آورده‌اند و آنچه عرض نمایم باز بآن نحوی که باید و شاید تعریف و توصیفشان را نموده‌ام بچه شوقی تحصیل تاریخ و تعالیم امر را می‌نمایند تشنه بشارات امریه‌اند و عجب عشقی باسم عبدالهّاء دارند جمیعاً عریضه‌ئی تقدیم نموده‌اند و امضای هر یک در ذیل و لقا در این عریضه بساحت اقدس تقدیم میگردد رجا و استدعای صمیم آنست که لوح غرّائی بافتخارشان جمیعاً نازل گردد و اسامی هر یک از قلم مبارک ذکر شود و بواسطه این فانی ارسال شود تا باحسن عبارات ترجمه نموده از برای این نفوس خالصه ارسال دارم شور و وهشان را اضعاف ماقبل خواهد نمود و فی الحقیقه سزاوار و مستحقّند سه چهار روزی در این جا اقامه خواهم نمود و بقدر امکان در منزل هر یک خواهم رفت هر چه قدر حقیر و پست باشد فی الحقیقه مستحقّ هر گونه عنایتند و کم نفوسی هستند در تمام بلاد غرب چه اروپ و چه امریک که بمثل این نفوس قابل عنایات و الطاف کلّیه باشند این مستر هال خدمات شایانی خواهد کرد و دخل به هیچ کدام از احبای لندن حتّی از قدمای احبّا و مؤمنات ندارد ولی ملاقات این نفوس روح را حرّاتی می‌بخشد که چه عرض نمایم چقدر از فحوی لوح مبارک که بافتخار احبای نجف آباد یک دو ماه پیش نازل شده و ذکر این خانم و مشرق‌الاذکار را می‌فرمایند مسرور و مشتعل گشتند عجب اطمینان و ایقانی دارند مثل کوه مطمئن هستند که این امر جهانگیر خواهد شد و کوشش و سعیشان از حدّ وصف خارج استدعای دیگر آنست که عنایتی ولو دو کلمه باشد بافتخار یعقوب یوسف نازل گردد چه که با اموالش بسیار مساعده دوستان محتاج این مدینه را می‌نماید و نه همین مساعده ملکی می‌نماید بلکه بسیار با حرارت و محبّت است و او و دو برادرش فی الحقیقه مؤمنند از من خواهش و التجا نموده که حضور عرض نمایم که تأیید مبارک شامل حالش گردد تا قوه بیان یابد و در تحریر و تقریر براعت حاصل نماید و باین واسطه خدمت شایانی باین امر کند امیدم چنانست که دعایش مستجاب گردد این عریضه بطول انجامید و اسباب تصدیع خاطر مبارک گشت ولی به نحوی دیشب از ملاقات این احبای حقیقی جمال مبارک متأثر گشتم که شب را راحت نخوایدم تا صبح شود و این عریضه را عرض نموده تفصیل حالشان را به تفصیل در ساحت اقدس ذکر نمایم خیلی تعریف این نفوس را از چند ماه گذشته از بعضی شنیده‌ام ولی ابداً گمان نمی‌نموم که چنان باشد عجب نفوسی مانند این خانم و مستر هال مبعوث شده‌اند و چه ترقّی سریعی در عالم امر می‌نمایند سال گذشته از قرار مسموع ابداً این حال را نداشتند روز بروز بهتر و محکّتر و خالصتر می‌گردند امیدم چنانست که لحظات اعین رحمانیت همواره شامل حالشان باشد در لندن لیدی بلامفیلد را ملاقات نمودم و خیال دارد که این زمستان را به حیف مشرف گردد و همچنین همشیره تیودرپول و از من خواهش کرد که ذکرش در عریضه‌ام نمایم و عرض نمایم که ایّام کلیفتون هیچوجه از نظرش محو نخواهد شد یوحنا داود و ضیاءالله هر دو عریض

عبودیت و محویت بخاکپای مبارک تقدیم می‌نمایند عنقریب به اکسفورد مراجعت نموده رشته کارم را دوباره خواهم گرفت و از قراری که لیدی و روزنبرگ و کروپر ذکر می‌نمایند بیانات و الواح جمال مبارک بعبارات احسن و افصح از قبل ترجمه شده تأیید و توفیق مبارک را همیشه ملتمس و رجامندم

بنده خاک آستان شوق

۲ اکتوبر ۱۹۲۱

مستر هیلز Healds که در این عریضه ذکرش را نموده ناطق و مطلع است و در معبد و کلیسیا علناً صحبت میکند و وعظ می‌نماید و ذکر امر و نام حضرت بهاءالله را بر زبان میراند اگر عنایتی در حقش شود بر حرارت و شورش خواهد افزود مجلس پروتستی در منزلش امشب داشتیم و سرود و اشعار به فارسی و انگلیزی خواندیم بی‌نهایت خود و دخترش که مؤمنه است مسرور و متبجح گشتند از جمله احباء مطلع و متنفذ منچستر است دیگر آنچه برضای مبارک است

شوقی

از قرار معلوم این خانمی که گیسویش را که تقدیم مشرق‌الاذکار نموده در امور زندگانش بسیار بسیار در زحمت است و قرینش مؤمن نه و ازین جهت این خانم آن طوری که باید و شاید ملاطفت و مصاحبت با او نمی‌نماید مستر هال رجایش آنست که بدو کلمه او را امیدوار فرمایند و امر بمدارا و محبت باو فرمایند عکس جمعیتی احباً هم برداشته شد و قریب سی نفر از احباً موجود و جناب آقا ضیاءالله که اسبابش را در این جا فراهم آورده‌اند یک نسخه بساحت اقدس خواهند ارسال داشت جناب مستر یوسف مذکور کرّه آخری از بنده رجا نموده‌اند که دعای او و استدعایشان از محضر مبارک که قوه بیان از برای ترویج کلمه الله عنایت گردد مستجاب شود